



Introducing the Correction of Heydari's History by Mir Heydar -ibn Ali -ibn Mahmoud Hosseini Razi

 Hosseiniseddiq, Seyedhossein¹  Elham Malekzadeh²

Submitted: 2024-01-01 Revised: 2024-01-21 Accepted: 2024-01-24 Published: 2026-03-21 pp.5-21

Abstract:

Heydari's history is one of the historical texts of the Safavid era, which was written by Mir Heydar -ibn Ali -ibn Mahmoud Hosseini Razi, one of the authors and historians of the first half of the 11th century AH. The book Majma al-Tawarikh or Zubda al-Tawarikh or Heydari's history is a general and irregularly authored history of the history of Iran and the Seljuk's of Minor Asia, the Khans of Karim, the Ottomans, and the Muslim kings of India. This work includes five chapters. These five chapters make up the first volume, which is related to prophets, caliphs, and kings, and the second volume should be on "sages, scholars, and poets".

This research aims to introduce the author and his work, as well as to introduce the manuscripts and stylistic features in three linguistic, literary and intellectual levels. At the linguistic level, the morphological and syntactic features of the book have been examined. At the literary level, the original verbal and spiritual industries (figurative language), as well as the manifestation of the science of rhetoric, have been analyzed. And finally, the intellectual features of the work are also mentioned.

Keywords: "Heydari's history"; "Mir Heydar Hosseini Razi"; "codicology"; "stylistics"; "correction".

CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

This is an open access article under the terms of the [Creative Commons Attribution-NonCommercial License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/), which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

© 2024 The Author(s). Journal of Codicology and manuscript research published by Torath pub. on behalf of the Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN.



1- PhD Candidate in History of Iran. Institute of Historical Sciences. Research Institute of Humanities and Cultural Studies. Tehran. Iran. hosseiniseddiq@yahoo.com

۲- (Corresponding author) Associate Professor. Institute of Historical Sciences. Research Institute of Humanities and Cultural Studies. Tehran. Iran. Elhammalekzadeh@gmail.com



References:

- Holy Qorān
- Afshār, Īraj, 'Ālamārāy-e Shāh Ṭahmāsb, Donyā-ye Ketāb, Tehran, 1370 SH/ 1992.
- Anousheh, Ḥassan, Farhangnāmeḥ-e Adabī-e Īrān, Dāneshnāmeḥ-e Adab-e Fārsī, Gozideh-e Eṣṭelāḥāt, Mazāmin va Mouzouāt Adab-e Fārsī, Second Edition, Farhang va Ershād-e Eslāmī, Tehran, 1381 SH/ 2003.
- Bahār, Mohammad Taqī, Sabkshenāsī, Amir Kabir, Tehran, 1386 SH/ 2008.
- Dehkhodā, 'Alī Akbar, Loghat Nāmeḥ Dehkhodā, Second Edition, Tehran University, Tehran, 1377 SH/ 1999.
- Ebn-e Aṣīr Aljazarī, 'Ez-al-Din Abou Al-Ḥassan 'Alī Ebn-e Aḥmad Ebn- e Abī Al- Kerām, Al- Kāmel fī Al-Tārikh, Dār Al- Ṣādir, Beirut, (1385A.H/ 1965).
- Ebn-e Aṣīr Aljazarī, 'Ez-al-Din Abou-al-Ḥassan 'Alī Ebn-e Aḥmad Ebn- e Abī Al- Kerām , Tārikh-e Kāmel-e Bozorg-e Eslām va Īrān, trans. 'Abbās Khalīlī va Abou- al Qāsem Ḥālat, Moasseseḥ Maṭbouātī 'Elmī, 1371 SH/ 1993.
- Fotouḥī, Maḥmoud, Sabkshenāsī-e Naẓariye'hā, Rouykard'hā va Ravesh'hā, First Edition, Sokhan, Tehran, 1391 SH/ 2013.
- Golchin Ma'anī, Aḥmad, Tārikh-e Tazkere'hāye Fārsī, Second Edition, Ketābkhāneh Sanāeī, Tehran, 1363 SH/ 1985.
- Hinz, Walter, Schah Esmā'il II: ein Beitrag zur Geschichte der Safaviden, Berlin, 1992, trans. Keykāvūs Jahāndāri, Shāh Esmā'il II, Sherkat-e Enteshārāt-e 'Elmī va Farhangī, Tehran, 1371/1992
- Ḥosseini Esterābādī, Ḥassan, Az Sheykh Ṣafī tā Shāh Ṣafī, Tārikh-e Solṭānī, Corrected by Eḥsān Eshraqī, 'Elmī, Tehran, 1364 SH/ 1986.
- Ḥosseini Rāzī, Mir Ḥeydar Ebn-e 'Alī Ebn-e Maḥmoud, Tārikh-e Ḥeydarī, Staatsbibliothek zu Berlin, Ms. Orient. Fol. 17. 2 Volumes A & B.
- Khaṭībī, Ḥosseini, Fann-e Naṣr dar Adab-e Pārsī, Zavvār, Tehran, 1375 SH/ 1997.
- Māyel Heravī, Najīb, Tārikh-e Noskhepardāzī va Taṣḥīḥ-e Enteqādī-e Noskhe'hāye Khaṭṭī, Nashr-e Pazhouhesh'hāye Eslāmī, Tehran, 1369 SH/ 1991.
- Moṣāḥab, Gholām Ḥosseini, Dāyerat -al Ma'aref-e Fārsī, Amir Kabir, Tehran, 1374 SH/1996.



Studies


Original Paper

Report and Review

- Nafisī, Sa‘eid, Konjkāvi’hāy-e ‘Elmī va Adabī, Tehran University, Tehran, 1329 SH/ 1951.
- Nafisī, Sa‘eid, Tārikh-e Nazm-e va Naṣr dar Īrān va dar Zabān-e Fārsī, Nashr-e Foroughī, Tehran, 1363 SH/ 1985.
- Ṣafā, Zābiḥ Allah, Tārikh Adabiyāt dar Īrān, Ferdows, Tehran, 1378 SH/ 2000.
- Shamisā, Sīrous, Kollīyāt- e Sabkshenāsī, Mitrā, Tehran, 1388 SH/ 2010.
- Shamisā, Sīrous, Negāhī Tāzeh be Bad‘ī, First Edition, Mitrā, Tehran, 1383 SH/ 2005.
- Shirvanī, Zeyn Al -‘Abedin, Bostān Al- Siyāḥeh, Sanāeī, Tehran, ND.



doi متن شناسی تاریخ حیدری اثر میر حیدر بن علی بن محمود حسینی رازی

سید حسین حسینی صدیق^۱  الهام ملک‌زاده^۲ 

از صفحه ۵ تا صفحه ۲۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

چکیده

تاریخ حیدری، از متون تاریخی دوره صفوی است که توسط میر حیدر بن علی بن محمود حسینی رازی، یکی از مؤلفان و مورخان نیمه اول سده یازدهم هجری، به رشته تحریر درآمده است. کتاب مجمع التواریخ یا زبدة التواریخ یا تاریخ حیدری، تاریخی عمومی و تألیفی نامنظم است از تاریخ ایران و سلاجقه آسیای صغیر و خانان قریم (کریم) و عثمانیان و شاهان مسلمان هند. این اثر پنج باب را شامل می‌شود. این پنج باب، جلد اول را تشکیل می‌دهند که مربوط به پیامبران، خلفا و پادشاهان است و بایستی جلد دوم در مورد «حکیمان و دانشمندان و سرایندگان» باشد. این پژوهش بر آن است تا ضمن معرفی نویسنده و اثر او، به معرفی نسخ و نسخه‌شناسی آنها و همچنین به ویژگی‌های سبکی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بپردازد. در سطح زبانی، ویژگی‌های صرفی و نحوی کتاب، بررسی شده است. در سطح ادبی، صنایع بدیع لفظی و معنوی و همچنین نمود علم بیان و معانی و اکاوی شده‌اند. و در نهایت به ویژگی‌های فکری اثر نیز اشاره‌ای شده است.

واژه‌های کلیدی: تاریخ حیدری، میر حیدر حسینی رازی، نسخه‌شناسی، ویژگی‌های سبکی، تصحیح.

Cite this article: Malekzadeh, Elham, Hosseiniseddiq, Seyedhossein. (2026) Introducing the Correction of Heydari's History by Mir Heydar -ibn Ali -ibn Mahmoud Hosseini Razi. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskah/shināsī va taṣḥīḥ-i mutūn). Vol-5, Issue-1, 5-21. <https://doi.org/10.22034/crtc.2024.433535.1129>

۱- دانشجوی دکتری تاریخ ایران پس از اسلام، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران. ایران.

۲- نویسنده مسؤؤل، دانشیار پژوهش‌شده علوم تاریخی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران. ایران.



۱. مقدمه

دوره‌ی صفوی یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین دوره‌های تاریخی ایران پس از اسلام شمرده می‌شود. برقراری وحدت سیاسی و تمرکزگرایی صفویه سبب براندازی حکومت‌های محلی و شکل‌گیری نوعی هویت ایرانی‌گرایی شد. در این دوره تاریخ‌نگاران بسیاری به نگارش تاریخ‌های عمومی پرداختند که سبب نگارش کتاب‌های تاریخی بسیاری از جمله حبیب السیر خواندمیر، جواهر الاخبار منشی بوداق قزوینی، تاریخ الفی قاضی احمد تتوی، تکمله الاخبار عبدی بیگ شیرازی و تاریخ حیدری گردید.

بازشناسی و تصحیح تاریخ حیدری از منظر تاریخی و سیاسی اهمیت شایانی برای پژوهش و مطالعه عصر صفوی دارد. این کتاب که به نام‌های مجمع التواریخ یا زبده التواریخ یا تاریخ حیدری شناخته می‌شود، به تاریخ ایران و سلاجقه آسیای صغیر و خاقان قریم (کریم) و عثمانیان و شاهان مسلمان هند پرداخته است.

از لحاظ دقت و ارزش تاریخی اطلاعات این اثر می‌تواند در کنار آثاری همچون جواهر الاخبار بوداق منشی قزوینی و تاریخ الفی و نیز دیار بکره ابوبکر طهرانی گوشه‌هایی از فراز و نشیب‌های تاریخی آن عصر را روشن سازد. مایل هروی می‌گوید:

بر کسی پوشیده نیست که ترقی و تعالی یک جامعه آنگاه مقدور می‌گردد که از پیشینه تاریخ تمدنش آگاه باشد و آنچه را از اسلاف بر جای مانده است با بینش علمی و انتقادی و به دور از هرگونه حب و بغض مذموم در اختیار گیرد، نقاط ضعف و علل ناتوانی‌های گذشتگان را دریابد و نقاط قوت و علل توانایی‌های آنان را بجوید. (مایل هروی، ص ۳۷۹).

احیا و بازآفرینی این آثار مکتوب بر جای مانده از بزرگان و دانشوران گذشته یکی از راه‌های آگاهی از پیشینه تاریخ تمدن هر جامعه است. با توجه به اینکه تاریخ حیدری به صورت نسخه خطی باقی مانده، تصحیح و بررسی ویژگی‌های سبکی آن از ضروریات پژوهش است.

۱-۱. بیان مسئله

به رغم تلاش‌هایی که تاکنون در عرصه تصحیح و شناساندن متون کهن انجام یافته‌است، همچنان آثار ارزشمند بسیاری، یا در گمنامی باقی مانده یا آن‌گونه که باید، شناسانده نشده‌اند. یکی از این آثار گران سنگ دوره صفوی، تاریخ حیدری، است که در پژوهش حاضر به بررسی ویژگی‌های برجسته نسخه‌شناسی و سبکی آن می‌پردازیم.

۱-۲. پیشینه پژوهش

این اثر، تاکنون تحقیق و پژوهش نشده است. بسیاری از مورخان و پژوهشگران از نسخه خطی این اثر استفاده و به اهمیت آن اشاره داشته‌اند، این بزرگان عبارتند از: دانشنامه اثر حسن انوشه (۱۳۸۰)، ترکستان نامه اثر بارتولد (۱۳۶۶)، برگل به مقاله‌ای از اسماعیل خان افشار، مجله مهر (خرداد ۱۳۱۳)، تاریخ افغانستان اثر عبدالحی حبیبی (۱۳۴۸)، نظام ایالات در دوره صفویه اثر کلاوس میسائل رهبرن (۱۳۴۸)، تاریخ تذکره‌های فارسی اثر گلچین معانی، تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند از گروه مؤلفان، لاهور (۱۹۷۱ م)، تاریخ ادبیات ایران اثر ذبیح الله صفا، شاه اسماعیل صفوی اثر والتر هینتس (۱۳۷۱).

اغلب آثار مذکور به ذکر نام و معرفی مختصر مؤلف پرداختند و تحلیل و معرفی نسخه خطی تاریخ حیدری انجام نشده است؛ لذا در مقاله حاضر، متن اثر مورد تحلیل قرار گرفته و با بهره‌گیری از منابع موجود، ابتدا نسخ معرفی شده و همچنین به بررسی شاخصه‌های سبکی آن براساس نسخه خطی کتابخانه برلین می‌پردازیم. روش پژوهش، کتابخانه‌ای و مبتنی بر شناسایی و بررسی ویژگی‌های برجسته سبک‌شناسی متن کتاب تاریخ حیدری است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت تحقیق

با بررسی‌های انجام شده، نسخه خطی تاریخ حیدری تاکنون به چاپ نرسیده است و درباره ویژگی‌های سبک‌شناسی آن کاری انجام نشده است. در این تحقیق سعی شده تا ضمن معرفی نسخه خطی، مختصات سبکی آن در سطوح زبانی، فکری و ادبی بررسی



شود. همچنین بررسی متون مربوط به تاریخ و تصحیح این آثار، ارج نهادن به هویت علمی و فرهنگی این مرز و بوم است.

۲. معرفی میرحیدر بن علی بن محمود حسینی رازی

میرحیدر بن علی بن محمود حسینی رازی، یکی از مؤلفان و مورخان نیمه اول سده یازدهم هجری است. پدرش نیز ظاهراً نویسنده بوده و کتاب «بزم‌آرای» را که تقریباً بازنویسی لب‌الباب عوفی بوده، انجام داده است. با وجود کنکاش و جستجو و تحقیق در منابع تاریخی، تذکره‌ها و تاریخ‌های محلی، از زندگی نویسنده، اطلاعات چندانی به دست نیامد، مگر همین نکاتی که در اثر خود، آورده است. بنابر آنچه در کتاب آمده در ۱۰۱۵ ق. / ۱۶۰۶ م. به سیستان نزد ملک جلال‌الدین محمود سیستانی رفته و مدت سه سال در آنجا بسر برده و از مندرجات کتاب چنین مستفاد می‌شود که در زمان تألیف قسمتی از این اثر، در هندوستان سکونت داشته است. مؤلف در آغاز کتاب خود به سی و پنج سالگی خود اشاره کرده و گفته است که از بدایت حال تا آن وقت که سال ۱۰۲۸ ق. / ۱۶۱۸ م. بوده، اکثر اوقات را به مطالعه تواریخ صرف نموده و در سال ۱۰۲۰ ق. / ۱۶۱۱ م. شروع به تألیف کتاب حاضر کرده است و به سال ۱۰۲۸ ق. / ۱۶۱۸ م. جلد اول آن را به پایان رسانیده و چون در این سال سی و پنج ساله بوده، پس ولادتش می‌تواند، حدود سال ۹۹۳ ق. / ۱۵۸۵ م. باشد.

۱-۲. معرفی مختصر کتاب

کتاب مجمع التواریخ یا زبدة التواریخ یا تاریخ حیدری، تاریخی عمومی و تألیفی نامنظم است از تاریخ ایران و سلاجقه آسیای صغیر و خانان قریم (کریم) و عثمانیان و شاهان مسلمان هند. این اثر در پنج باب ۱- جهان عرب ۲- جهان ایران ۳- آسیای میانه و خاوری ۴- باختر ۵- هند را شامل می‌شود که این پنج باب جلد اول را تشکیل می‌دهد که در مورد پیامبران، خلفا و پادشاهان است و بایستی جلد دوم در مورد حکیمان و دانشمندان و سرایندگان، باشد و چنانکه اسماعیل خان افشار آورده، حیدر رازی کاری جز این نکرده که هر سه جلد تاریخ الفی را رونویسی کرده است، همچنانکه پدرش لب‌الباب عوفی را استنساخ و به نام «بزم‌آرا» منتشر کرده است. حسینی رازی کتاب خود را به دو مجلد تقسیم کرده است: جلد اول در «احوال انباء و خلفا و سلاطین» و مجلد ثانی در «احوال حکما و علما و شعرا»، همچنین او نوشته که در کتابش «اکثر نقل‌ها به عبارت مصنفان است و عبارت کمینه [مقصود خود اوست] بسیار کم است، و بنای این بر چند تاریخ معتبر است» و آنگاه پنج کتاب (جامع التواریخ رشیدی، تاریخ حافظ ابرو، روضه‌الصفاء، حبیب‌السیر و تاریخ الفی) را به عنوان مأخذهای اصلی و بیست و شش کتاب را به عنوان باقی مأخذ خود ذکر کرده و گفته است: «به غیر از تواریخی که مذکور شد، چند تاریخ دیگر هست که تعداد اسامی آنها موجب طول کلامست» و در آخر همین مقدمه ادعا کرده که «قریب به بیست سال از اوقات شریف خود را روز و شب صرف این کتاب نموده» و بدین تقدیر کار خود را از پانزده سالگی آغاز کرده است. صاحب تاریخ حیدری، در هریک از باب‌های جلد یکم به رویدادهای سیاسی به ترتیب زمانی پرداخته و بارها رشته رویدادها را تا زمان خود کشانده است. از این رو در این جلد (یعنی نخستین) گاهی اطلاعاتی به دست داده است که در منابع دیگر یافت نمی‌شود. ارزش این جلد عمدتاً در اطلاعاتی است که درباره رویدادهای سیاسی آسیای میانه است.

۲-۲. شیوه تصحیح متن تاریخ حیدری

پس از بررسی‌های فراوان در فهرست نسخ خطی و فهرست‌های کتابخانه‌های مختلف ایران و جهان، از این اثر، تنها شش نسخه یافت شد که با مطالعه و بررسی نسخه‌ها، نسخه اصلی کتابخانه برلین به عنوان نسخه اساس و نسخه‌های دیگر همچون نسخه پاریس، نسخه کتابخانه مجلس و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به عنوان نسخه‌های بدل مورد استفاده قرار گرفت، و براساس شیوه انتقادی مورد تصحیح قرار گرفته است. البته باید یادآوری کرد که نسخه‌ای که در لندن نیز وجود داشت تنها شامل سه برگ می‌شد که با بخش تصحیحی ما ارتباطی نداشت، ولی در اینجا این نسخه نیز معرفی می‌گردد.

۳. مباحث نظری تحقیق

۱-۳. معرفی نسخه‌های خطی تاریخ حیدری



۳- ۱- ۱. نسخه کتابخانه ملی برلین به شماره نسخه: Ms. Orient. Fol. 17. 2 Volumes A & B است که در این متن به شکل (ب) آمده است. و با توجه به اینکه نسبت به سایر نسخ کامل تر است به عنوان نسخه اساس در نظر گرفته شده است.

این نسخه در دو مجلد در قطع رحلی بزرگ با جلدی یشمی رنگ است. البته جلد اصلی به رنگ عقیق بوده که جدا شده و در قسمت آخر نسخه متصل است. هر برگ این نسخه دارای ۴۰ سطر و ابعاد برگ‌ها ۲۵ * ۴۵ بوده که با این اندازه قطع رحلی بزرگ محسوب می‌شود، اندازه متن بر روی کاغذ صیقلی یافته ۱۷ * ۳۴ و بدون هیچ تزئینی است. نکته دیگر اینکه عناوین سرفصل‌های مطالب و یا نام حکومت‌ها به عنوان راهنما در هامش و کنار همان موضوع، کتابت شده است.

در اولین صفحه جلد اول مبیعه نامه آن مذکور است، ولی مبلغ فروش آن پاک شده و به دینار جدید الصرب فروخته شده و تا دو سال فروشنده و خریدار حق فسخ معامله کتاب را دارند، در صورتی که فروشنده عین پول دریافتی را به خریدار در خلال دو سال برگرداند، فسخ معامله بلامانع است. و به غیر از وجهی که بابت فروش کتاب گرفته، مبلغ پنج هزار دینار بعنوان قرض الحسنه در اختیار فروشنده قرار گرفته است. و در شب ۲۲ شعبان سال ۱۰۸۹ / ۱۶۷۸ م (اثنی و عشرين فی شهر شعبان المعظم سال ۱۰۸۹ تسع و ثمانین بعد الآف) در این مبیعه نامه آثار سه مهرب در میان متن و یکی در پایان آن دیده می‌شود.

تاریخ کتابت و نگارش این نسخه، می‌تواند همان تاریخ ذکر شده برای مبیعه نامه یعنی ۱۰۸۹ ق. / ۱۶۷۸ م. و یا کمی پیش از آن باشد. جلد اول از برگ ۱ آغاز و تا ۳۵۴ ب، پایان می‌یابد و در دومین برگ جلد نخست به حروف لاتین نام کتاب چنین نوشته شده: (Zubde Tawarich) و در زیر همین عنوان به نظر می‌رسد به لاتین نوشته شده آدام اولشلگر اولناریوس (Adam Ölschläger Olearius) جلد دوم نسخه از برگ ۳۵۵ الف آغاز و در برگ ۷۳۷ به پایان می‌رسد، و سه بار واژه تَمَّ تَمَّ تَمَّ تکرار شده و حاکی از پایان یافتن کتاب است.

از ویژگی‌های رسم الخط این نسخه نیز می‌توان گفت که در بیشتر متن، سال‌ها به قمری و عربی نگاشته شده است، ولی در برخی موارد با کلمات فارسی و به صورت شمسی کتابت شده است. در شکل ضبط اسامی اختلاف وجود دارد مثل «منقلای» که در جای دیگر «منغلائی» و یا «سابات» که به شکل «ساباط» و نیز «خواندگار» که به صورت «خوندگار» هم آمده است. همچنین اتصال برخی حروف به کلمات بعد از خود همچون: بتوشیح، بسابقه، بحس، بمقدار و نیز اتصال «که» به کلمه بعدی همچون: هنگامیکه، خداوندیکه که در متن ما جدا شده است.

حذف «ه» غیرملفوظ مثل: ک او(که او)، دیدک (دید که)، شهر ک (شهرکه) و در جاهایی که «ه» به «ان» جمع می‌رسد آن «ه» حذف نمی‌شود: دیده‌گان، بنده‌گان، نوازنده‌گان و

حذف «الف» از برخی ضمائر سوم شخص متصل به حروف دیگر، در ترکیبات از او، از این، بر او، به شکل: ازو، ازین، برو کتابت شده است.

حذف «الف» به دلیل اتصال به فعل قبل از خود نیز از دیگر مشخصات نگارشی این نسخه است: موصولست، چنینست که البته همیشه نیز این گونه نیست مثل: منقول است و خان است.

افتادن نقطه و کاربرد برخی حروف به شکل حرفی دیگر: مثل «ج» به جای «چ» و «ک» به جای «گ» مثل: چون دیگری (چون دیگری)، کفت (گفت)، بکو (بگو)، و

اغلاط املائی نیز وارد متن شده است، همچون: ازعان (اذعان)، عرسه (عرصه)، نسرت (نصرت)، معروز (معروض)، خارزم (خوارزم)، خاند (خوانند).

نسخه‌شناسی: نوع خط نسخه نستعلیق زیباست و نشان از کاتبی واحد دارد. عنوان‌ها با جوهر قرمز یا شنگرف نوشته شده و بدین طریق از خط زمینه که با جوهر مشکی نوشته شده جدا می‌گردد. جلد اصلی کتاب قرمز پر رنگ در ابعاد ۲۳ * ۴۳ است و جلد سمت راست بزرگتر است که می‌تواند مثل یک کیف در آن بسته شود که در اصطلاح آن را سر طبل یا سر طبله نامند که غیر از جلد



کنونی یشمی رنگ است. در برخی برگ‌ها خدشه و افتادگی دیده می‌شود. مثلاً در جلد دوم نسخهٔ برلین از ص ۳۵۵ ب تا ۳۶۱ ب، یعنی از ذکر جمشید تا ذکر بدایت ظهور ساسانیان، تصور می‌شود احتمالاً به دلیل خشک نشدن جوهر و یا مرور ایام، اوراق به یکدیگر چسبیده و سبب ناخوانا شدن متن گردیده است. روی جلد اصلی آن گل و بُته و مصرع دوم شعر: علم و عمل و فراخ دستی، حک شده است. همچنین جنس جلد اصلی نسخه خطی تاریخ حیدری در کتابخانه ملی برلین، همانگونه که از خانم اوا ماریا تیمه به هنگام اقامت در اوایل سال ۲۰۱۱م. بطور حضوری و همچنین در مکاتبه‌ای پرسیدم، نوع چرم جلد نسخه را چرم بُز اعلام نمودند.

کتاب‌شناسی: متن این نسخه با مقدمه مکلف چنین آغاز می‌شود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ- هست کلید در گنج حکیم؛ زیب عنوان این نامه نامی و مشاطلهٔ رخسار این صحیفهٔ گرامی، نام صانعیت که به قلم قدرت نقوش هستی بر لوح نیستی نگاشت و به دست توفیق پرده خواهش از روی خاطر ارباب توکل برداشت. صنعش، مشاطه‌وار چهرهٔ عروسان معانی را آرایش داده و قدرتش نفوذ نامعدود سخن را از معادن طبایع بر طبق ظهور نداده، به قدری که از جرم خورشید روح صفا در جسم جهان دمیده و از پرتو فیاض نامیه را نشو و نما بخشیده برآستان جلالش فرق فلک زمین سای، و مرآت کمالش معنی جان صورت نمای، ذاتش بی پرده از نظر عقل پنهان و صفاتش با پرده در چشم صدق عیان. مرکب فهم در راه کنهش لنگ و پای وهم در وادی طلبش بر سنگ. الطافش چاره ساز هر بیچاره و اعطافش قبلهٔ نیاز هر آواره. غواص خرد در دریای ذاتش غرقه گرداب نادانی، و سیاح جان در صحرای صفاتش آبله پای حیرانی. بر خوان نعمت بی زوالش قناعت هم کاسه‌واز و بر آستانهٔ دولت بی مثالش صدق کلید قفل راز. سرگشتگان تیه نادانی را فیض راه نمای و بستگان زندان حیرانی را فضلش گره گشای. در توهم ذاتش خرد خرد شناس دیوانه و در تفکر صفاتش حواس دانش اساس بیگانه. الطاف چاره سازش طبیب هر بیمار، و اعطاف عاجز نوازش، انیس هر غمخوار. شاه بازان بلند پرواز سخن در هوای دانش شکسته بال و عندلیبان نغمه ساز فکر از ترنم نوای صفاتش لال، و از وجودش هر ذرهٔ بی سرمایهٔ خورشید و از جودش هر گدا بی پیرایهٔ جمشید، عقل را در وادی جلالش دست حیرت گریبان گیر و فکر را در مقام کمالش پای همّت در زنجیر، بعد از مراسم حمد الهی، درود نامتناهی بر روح پاک سرور کاینات و خلاصهٔ موجودات یعنی شفیع روز جزا محمد مصطفی و آل و اصحاب او باد.

اما بعد، پوشیده نماند که کمینه خاکسار حیدر بن علی حسینی رازی از بدایت حال تا امروز که سی و پنج مرحله از وادی عمر طی شده، اکثر اوقات را به مطالعه تاریخ صرف نموده و به قدر مقدور در تحقیق حکایات کوشیده در سال هزار و بیستم هجری در خاطر خطوط کرد که چون نقل بسیار به نظر درآورده و کتب تواریخ بی نهایت جمع شده، اگر کتابی تألیف شود، بد نخواهد بود. بنابراین شروع در تألیف این تاریخ نمود و در این سال که هزار و بیست و ششم هجریست مجلد اول که احوال انبیاء خلفا و سلاطین است و از دوپست هزار بیت متجاوز فی الجمله صورتی یافته و اگر حق سبحانه تعالی توفیق اتمام احوال حکما و علما و شعرا و غیره است، کرامت کند از این بیشتر خواهد شد. و در این کتاب اکثر نقل‌ها به عبارات مصنفان است و عبارت کمینه، بسیار کمست و بنای این تألیف بر چند تاریخ معتبر است. از آن جمله پنج تاریخ این است: ۱- جامع التواریخ تألیف خواجه رشید طبیب، ۲- تاریخ حافظ ابرو، ۳- روضة الصفا تألیف میرخواند، ۴- حبیب السیر تألیف خواند میر، ۵- تاریخ آلفی تألیف ملا محمد سندی. و اسامی باقی تواریخ بدین ترتیب است: ۱- تاریخ طبری، ۲- جامع التواریخ غیاثی، ۳- فتوحات احمد بن اعثم کوفی، ۴- فرج بعد از شدت [ابوعلی محسن تنوخی، ترجمه محمد عوفی در دست نیست ولی در قرن هفتم حسین بن احمد دهستانی آن را ترجمه نموده است]، ۵- مسعودی، ۶- ترجمه [تاریخ] یمینی اشرفی جربادقانی، ۷- کشف الغمه علی بن عیسی اربلی، ۸- جامع الحکایات نورالدین محمد عوفی، ۹- گزیده حمدالله مستوفی، ۱۰- وصایای خواجه نظام الملک، ۱۱- سیر الملوک خواجه مذکور، ۱۲- طبقات ناصری منهای سراج جرجانی، ۱۳- تاریخ و صاف عبدالله بن فضل الله شیرازی، ۱۴- تاریخ فخر الدین داوود بناکتی، ۱۵- ظفرنامه شرف الدین علی یزدی، ۱۶- تاریخ جهانگشای خواجه علاءالدین عطاملک جوینی، ۱۷- مطلع السعدین ملا عبدالرزاق سمرقندی، ۱۸- معارج النبوه ملا معین، ۱۹- روضة الاحباب میر جمال الدین محدث، ۲۰- تاریخ سند امیر محمد معصوم بکری، ۲۱- خلاصه الاخبار خواندمیر، ۲۲- تاریخ فیروزشاهی، ۲۳- تاریخ بهادرشاهی، ۲۴- تاریخ نظام الدین احمد، ۲۵- تاریخ ابن خلکان، ۲۶- تاریخ کامل ابن اثیر جزری، ۲۷- تاریخ بیهقی. و به غیر از



تواریخی که مذکور شد چند تاریخ دیگر هست که تعداد اسامی آنها موجب طول کلام است. و تخمینا در این مجلد که نزدیک به اتمام رسیده از تاریخ آلفی شصت هزار بیت و از جامع رشیدی چهل هزار بیت و از تاریخ حافظ ابرو سی هزار بیت و از روضة الصفا سی هزار بیت، از حیب السیر بیست هزار بیت نقل کرده شد و از باقی تواریخ نیز برابر این بلکه بیشتر نقل بهم خواهد رسید.

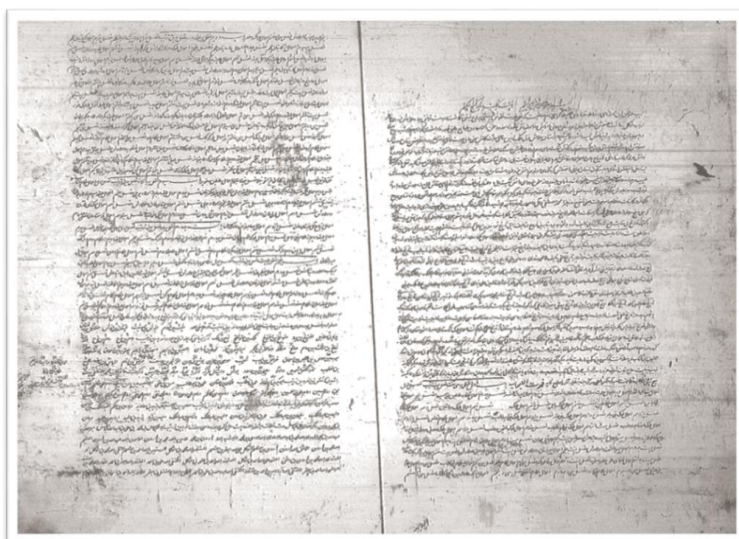
در این کتاب اکثر احوال ملوک مصر و شام و هندوستان از تاریخ آلفی مرقوم گشت و احوال ملوک ترکستان و ماوراء النهر و ختای و فرنگ و روم از جامع رشیدی نقل شده، احوال انبیا و ملوک عرب و عجم از روضة الصفا و حیب السیر رقم زده کِلک بیان گردید و از باقی کتبی که اسامی آنها مذکور شد نیز نقل بسیار آورده شد و در هر نقلی که مورخان در آن خلاف کرده اند نام صاحب آن نقل را مذکور ساخت تا بر مولف اغراض ننمایند. و این همت و ورزید که این تألیف را به اسم کسی ننمود، و چند چیز باعث این معنی شد، یکی آنکه مبدا گمان مردم این باشد که تألیف این کتاب به واسطه آنست که کسی بر این سبب کمینه را رعایت نماید، دیگر آنکه مبدا اندیشه نمایند که خوش آمد طایفه‌ای نوشته شده، چنانچه هر کس که تاریخ به جهت کسی نوشته بی خوش آمد نبوده، دیگر آنکه کمینه قریب به بیست سال اوقات شریف خود را روز و شب صرف این کتاب نموده، چه رعایت خواهد یافت که تلافی این بشود، اگرچه در این روزگار کریمان بسیارند که تلافی این نتوانند کرد، اما کمینه را هیچ میل به اسباب دنیا نیست. امید که هرکسی غلطی در این کتاب به نظر درآورد اصلاح نماید.

فهرست الابواب: باب اول مشتمل بر سی و هفت فصل است. (جهان عرب: ۳۵۴ ب - ۱)؛ باب دوم که در واقع جلد دوم نسخه آغاز می‌گردد، مشتمل بر پنجاه و سه فصل است که از احوال پیشدادیان عجم شروع و در فصل پنجاه و سوم با سلاطین صفویه خاتمه می‌یابد. (ایران: ۵۸۵ الف - ۳۵۵ الف)

باب سیوم مشتمل بر پانزده فصل است که با احوال حکام ختانی در فصل اول شروع می‌شود و با احوال صاحبقران و اولادش در فصل پانزدهم خاتمه می‌یابد. (آسیای میانه: ۶۷۰ ب - ۵۸۵ ب)

باب چهارم مشتمل بر ده فصل است که فصل اول آن با عنوان احوال طبقه اول از حکام بنی اسرائیل آغاز و در فصل دهم با احوال آل امیر عثمان پایان می‌یابد. (جهان غرب: ۶۸۲ الف - ۶۷۱ الف)

باب پنجم مشتمل بر بیست فصل است که با حکومت کاسی برای آغاز و در احوال بابر پادشاه و اولادش در آخرین برگه نسخه یعنی صفحه ۷۳۷ ب پایان می‌یابد. (هند: ۷۳۷ ب - ۶۸۲ الف)



برگ اول نسخه کتابخانه ملی برلین (اساس)



۳- ۱- ۲. نسخه تاریخ حیدری موجود در کتابخانه ملی فرانسه، در پاریس که این نسخه در دوجلد تجلید شده است و جلد اول به شماره (suppl.per.1330) و نیز جلد دوم به شماره (suppl.per.1331) که در تصحیح ما به شکل (پ) آمده است.

در صفحه ابتدایی این نسخه یادداشتی به خط شکسته وجود دارد به این مضمون: «جزوی از مجمع‌التواریخ در ذکر حکام ترکستان و بنی اسرائیل؟ استکتابی دارالخلافة در شهر ذی القعدة الحرام هزار و دویست و هفتاد و شش هجری ... ضبط کتاب خانه نواب مستطاب اشرف والا بهاءالدوله بهمن میرزا، امین خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه قاجار ۱۲۷۶» در ذیل یادداشت نیز مْهری مستطیل (۳*۳) با متن «از لقب بهاءالدوله بهمن را ظل بردن است». ذیل همین مطلب به خط نستعلیق ساده چنین توضیح داده شده که: «جزوی از مجمع‌التواریخ در ذکر سلاطین ترکستان و ختا و ماوراءالنهر و توابع و شمه از احوال حکام آن مملکت که به تاریخ ۱۲۷۶ ملاآقابا شهمیرزادی کتابت نموده است.» همچنین در کنار مکتوب مشکی مهر (schefer) که اطرافش کتابخانه ملی پاریس نسخ خطی به فرانسه نوشته شده و شماره (NO9655) دارد.

وضعیت کتابت: کاتب اثر ملاآقا شهمیرزادی است که آن را در سال ۱۲۷۶ ق. کتابت کرده است.

آغاز: «باب دویم در ذکر حکام ختای و ترکستان ماوراءالنهر با توابع ذکر ختا و شمه از احوال حکام آن مملکت، پوشیده نماند که ولایت ...»

انجام: «... آن قره العین سلطنت را نوشیروان نام نهاد و در همان روز قاصدی از جانب مداین خبر فوت بلاش و اتفاق اکابر عجم بر سلطنت قباد عرض کرد و قباد قدم نورسیده را بر خود مبارک داشته روی به دارالملک آورد و بعد از وصول بر اورنگ پادشاهی نشست ابواب» است. در هامش صفحه پایانی نیز رقم کاتب چنین آمده است: «کتبه آقابا شهمیرزادی فی یوم الاربعاء ثامن شهر ذی القعدة سنه ۱۲۷۶».

نسخه شناسی: این نسخه شامل ۸۳۵ برگ می‌باشد و خط آن نسخ ساده و بی‌پیرایه است. صفحات تزئینی ندارد، جز دو خط ساده که کناره‌های متن کشیده شده است. هر صفحه ۲۰*۲۹ است، ولی متن ۱۲/۵*۵۲۲ و هر صفحه شامل ۲۸ سطر که صفحه اول ۲۵ سطر است و سرعنوان فصل‌ها درشت‌تر کتابت شده است. از ویژگی‌های نگارشی نسخه نیز می‌توان به نگارش حروف «گ» به شکل «ک» اشاره کرد و نیز تمامی «به» به کلمات بعدی چسبیده است. این نسخه تمامی باب یکم و آغاز باب دوم آن افتادگی دارد.



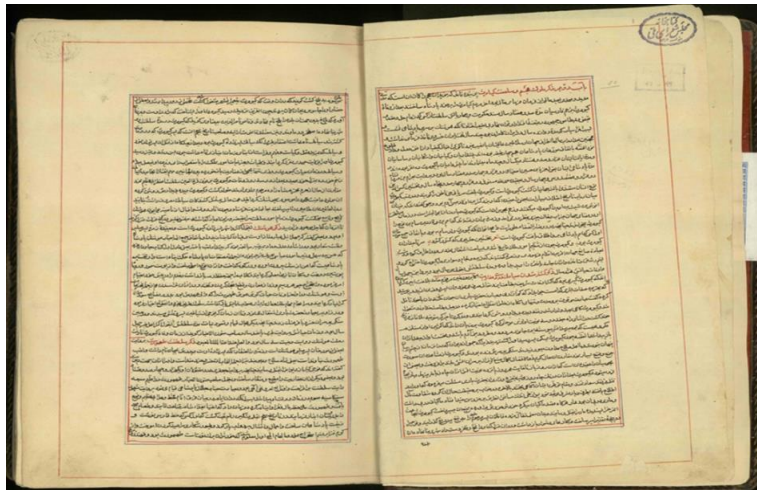
برگ اول نسخه پاریس



۳- ۱- ۳. نسخه تاریخ حیدری موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۱۳۶ که به اختصار (م) ارجاع داده شده است. نسخه در ۱۵۹ صفحه (۳۱۹ برگ) است. هر صفحه شامل ۳۵ سطر می‌شود. صفحات ۲۰*۳۲ و اندازه خطوط ۱۲*۲۴ است. کاتب و تاریخ نگارش نامشخص است.

آغاز: «باب دوم ذکر ملوک عجم و سلطنت کیامرث، پوشیده نماند که موبدان عجم را گمان آن است...»
انجام: «جلال الدین علی بن فخرالدین بعد از او پای بر مسند سلطنت نهاده بعد از هفت سال که حکومت کرد، خوارزمشاهیان بر خراسان مستولی شدند و دولت از آن سلنت بیرون رفت. ذکر حکومت هلاکوخان و اولادش در ایران.»
نسخه شناسی: خط این اثر، نسخ ساده است و کاغذ آن نخودی بدون افتادگی می‌باشد. جلد نسخه مجلس تیماج قهوه‌ای با نقش یک شاخه گل سرخ آرایش شده است. ابتدای فصول و بخش‌ها به رنگ شنگرف مشخص نگاشته شده است. همچنین صفحات آرایش ندارد مگر دوخط سیاه و قرمز که متن هرصفحه را احاطه کرده است. در این نسخه موارد نگارشی در کتابت وجود دارد، همچون «آ» به صورت «الف» نگاشته شده است. گاهی به جای «ت» به شکل «ه» همچون در کلمه سلطنت که به شکل سلطنه (صفحه آخر نسخه) آمده است. چسبیدن «به» به کلمات همچون بیام قصر؛ باو پناه آورده (برگ ۲۱۳) و...؛ نگارش «گ» به شکل «ک»؛ چسباندن «آن» و «می» به کلمات بعدی همچون آنصوب؛ میاورد (برگ ۲۱۴)؛ چسباندن که به کلمات پیش و پس آن همچون: هرخدمتیکه، کسبیکه (برگ ۲۱۴)

کتاب‌شناسی: این نسخه تنها شامل باب دوم در تاریخ پادشاهان ایران است. متن این نسخه مربوط به بخشی است که در هندوستان نگاشته شده است.



برگ اول نسخه مجلس به شماره ۲۱۳۶

۳- ۱- ۴. نسخه تاریخ حیدری موجود در کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، به شماره ۶۵۷۳ که به اختصار (ت) آمده است. آغاز نسخه: «محاربات واقع شد آخر الامر پسران عبدالمؤمن غالب آمدند و در سنه احدی و ستین و خمسمائه هجری (۵۶۱ق)»... «شروع می‌شود.

انتهای نسخه: «حسب الخواش مخدوم معزز محترم جناب فضایل مآب قدسی القاب میرزامحمد علی زید فضلہ این اوراق در غایت تعجیل سمت تحریر پذیرفت ۹ ربیع الاول ۱۲۷۱ق.»

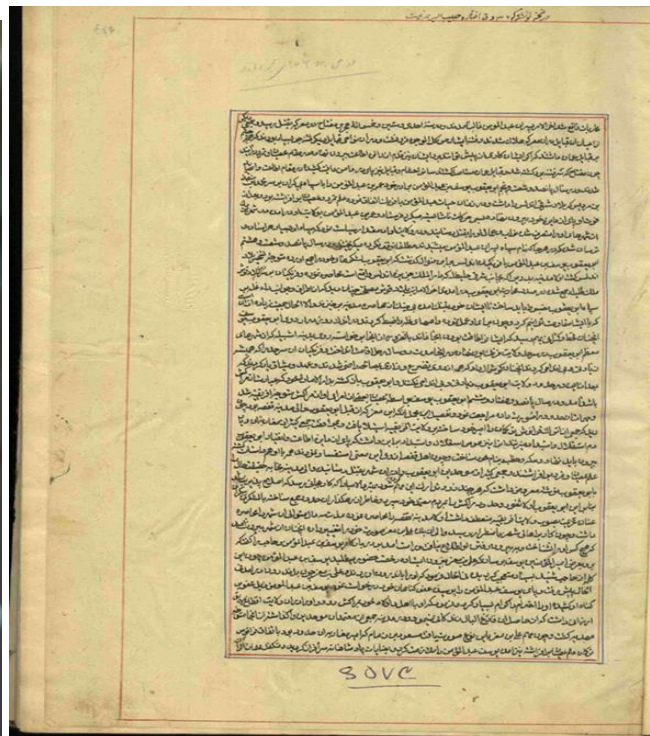
نسخه شناسی: این نسخه به قول سعید نفیسی احتمالاً مجلد دوم مجمع التواریخ میرحیدر رازی است. وی آورده که مجلد اول را من به خط و کاغذ و قطع دیگر دارم و از آغاز آن مجلد اندکی افتاده است و از روی نسخه‌های دیگر باید تکمیل گردد. این جلد از ص ۴۲۶ شروع می‌شود که ظاهراً کاتب صفحات را شماره‌گذاری نکرده است، بلکه بعداً شماره‌گذاری گردیده است و صفحات (آ) و (ب) را



با هم شمارش نموده است و هر صفحه دارای ۳۶ سطر است. صفحات با دوخط آبی و قرمز تزیین شده است. اندازه هر صفحه ۲۱*۵/۳۲ و اندازه سطرها ۱۳*۵/۲۴ است. کاغذ فرنگی جلد این اثر گالینگور تازه و در قطع رحلی است.
۱- ۵. نسخه سعید نفیسی که به شماره ۵۸۴۲ وجود دارد. این نسخه در وضعیت خوبی نیست. اوراق آن به هم چسبیده و برگه‌های نخست یعنی فهرست با مداد نوشته شده است که به نظر می‌رسد که احتمالاً محققى همچون سعید نفیسی نوشته باشد. صفحات اولیه تا ص ۲۹ با جوهر کم رنگی نگاشته شده است و از آن صفحه به بعد نوشته‌ها پیرنگ‌تر است. نام کاتب و تاریخ کتابت نامشخص است. کاغذ این نسخه کاغذ سپاهانی، با جلد تیماج مشکی ضربی مقوایی و در قطع رحلی است.
نسخه‌شناسی: این نسخه ۶۹۱ برگ توسط کاتب شماره شده دارد، ولی با خودکار آبی ۱۴۳۱ صفحه شمارش شده است. فهرست این کتاب از باب دوم ذکر ملوک عجم و سلطنت کیومرث شروع می‌شود. اندازه صفحه ۲۶*۱۸ و اندازه متن ۲۰*۱۴ و هر صفحه این نسخه ۲۵ سطر است.



نسخه ۵۸۴۲ دانشگاه تهران



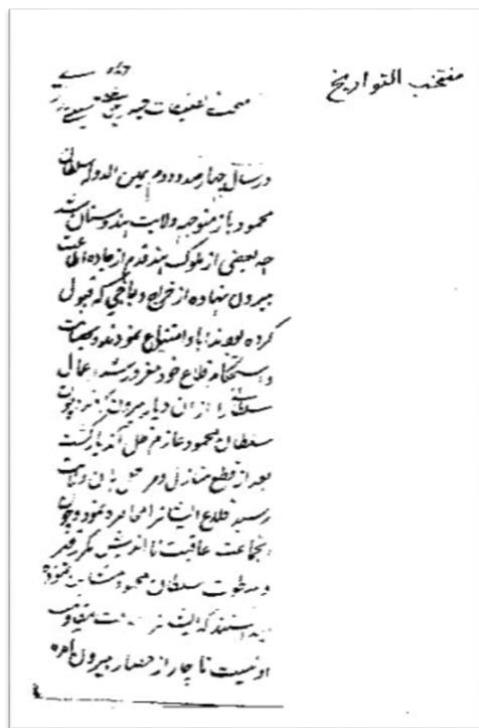
برگ اول نسخه دانشگاه تهران به شماره ۶۵۷۳

۱- ۳. نسخه خطی تاریخ حیدری در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره (نامشخص)
این نسخه تنها سه برگ را شامل می‌شود. اندازه صفحات ۵/۱۱*۵/۸ و اندازه متن ۸*۴ می‌باشد. نام کاتب و تاریخ کتابت نامشخص است.

آغاز: «منتخب التواریخ، منتخب تصنیفات حیدر بن علی حسینی رازی؛ در سال چهارصد و دوم یمین الدوله سلطان محمود باز متوجه ولایت هندوستان شد، چه بعضی از ملوک هند قدم از جاده اطاعت بیرون نهاده از خراج و باجی که قبول کرده بودند، باو امتناع نمودند...»



انجام: «در این سال مسعود از برای دفع احمد ینالتگین لشکری فرستاده میان ایشان و احمد ینالتگین محاربات بسیار واقع شد آخر الامر کار بجایی رسید که احمد قصد خود کرده خود را هلاک ساخت والله اعلم فقط»
کتاب‌شناسی: هر چند که استاد منزوی آورده که این نسخه بخشی از پایان باب یکم و باب دوم را دارد که کتابت شده در ۱۲۷۲ ق. است، اما آنچه من در سفری که داشتم توسط یکی از محققان ایرانی ساکن لندن توانستم به دست بیاورم، همین نسخه سه برگه‌ای بود که با بخش تصحیحی من ارتباطی نداشت و تنها شامل بخشی از دوره غزنویان می‌شد.



برگ اول نسخه لندن

در این مقاله ویژگی‌های سبکی تاریخ‌چیدری در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی قرار گرفته است:

۴. ویژگی‌های زبانی

۴-۱. ویژگی‌های صرفی

۴-۱-۱. کاربرد لغات و ترکیبات ترکی، مغولی و عربی

- ایلغار = ترکی - مغولی، به سرعت بر فوج دشمن دویدن؛ حرکت سریع سپاهیان به سوی دشمن. هجوم. یورش. (لغت‌نامه دهخدا)
- «در اوایل شهر سنه ثمان و تسع‌مایه (۹۰۸) به ایلغار متوجه تبریز شد» (همین اثر: ۳۶)
- چول = صحرا، بیابان ریگ زار و جایی که آدمی در او نباشد و کم عبور کند. (لغت‌نامه دهخدا)
- «بعد از قرب وصول ایشان، آبا طاقت نیاورده به چول اترک گریخت» (همین اثر: ۶۷)
- ساچق = دستوری است که یک روز پیش از روز شادی کنخدائی از قسمتی پیرایه و البسه با سبوجه‌های شیرینی نقل و آرایش از طرف داماد به خانه عروس فرستند و این لفظ ترکی است. (لغت‌نامه دهخدا)
- «ایلچی سلطان حسین میرزا از هرات آمده، کتابات با ساچق طوی مظفر حسین میرزا را آورده و ایلچی با تحف بسیار به اعزاز تمام مرخص شد» (همین اثر: ۲۴)



- کوتوال = نگه دارنده قلعه و شهر باشد و او را سرهنگ هم گویند و بعضی گویند این لغت هندی است و فارسیان استعمال کرده‌اند، چه کوت به هندی قلعه است؛ نگهبان قلعه. (لغت‌نامه دهخدا)
- «و علی کیای کوتوال قلعه ناچار به ملازمت آمده، به جان امان یافت» (همین اثر: ۳۶)
- الکا = زمین و ملک و وطن و ملک و بوم و زمین؛ ناحیت. الکه. در کشور آذربایجان امروزه اولکه گویند، به معنی سرزمین و کشور، و او را تلفظ نکنند. (لغت‌نامه دهخدا)
- «در پانزدهم ذی الحجه به الکای شیروان در آمده از ارس عبور فرمود» (همین اثر: ۶۳)
- «با چوهه سلطان صلح کردند. و به درگاه شاه آمده، الکای به اقطاع یافتند» (همین اثر: ۵۵)
- ۲-۱-۴. کاربرد حروف در معانی متنوع و متفاوت
- با = بر، به
- «و در سنه ثلث و ثمانین و ثمان‌مایه (۸۸۳) مرید بیگ بن جهانگیر بیگ بن علی بیگ بن قراعثمان با خلیل سلطان باغی شد» (همین اثر: ۱۷)
- «جمعی دیگر از لشکر شام به جانب سلطان آمدند و بدین جهت امرا با یکدیگر بدگمان شده، جمعی عزیمت شام کردند.» (همین اثر: ۵)
- از = نزد
- «و بایندُر بیگ گناه او را از سلطان شفاعت کرده، به دستور، حکومت فارس بر او مقرر شد» (همین اثر: ۲۱)
- به = با
- «و قاسم بیگ برادر دیگر او نیز به او اتفاق نموده، قصد شیراز کردند» (همین اثر: ۱۸)
- اضافه کردن «ی» به عنوان‌ها، اسامی و نسبت‌ها
- در تاریخ حیدری به عنوان‌های «میرزا» یا «شاملو»، یایی به شکل پسوند نسبت یا نشانه اضافه ذکر شده است:
- «در مقام مخالفت شد. ورستم بیگ، سلطان علی میرزای بن سلطان حیدر را با برادران که در قلعه اصطخر محبوس بودند» (همین اثر: ۲۷)
- ۳-۱-۴. ترکیبات و اصطلاحات خاص
- نگارنده تاریخ حیدری، از اصطلاحات و ترکیبات بسیاری در متن خود بهره گرفته است که همین امر می‌تواند یکی از ارزش‌های ادبی و زبانی این متن برشمرده شود، در ادامه به برخی از این اصطلاحات اشاره می‌شود:
- روی راست = مستقیم، یک راست؛ یکرنگی و صداقت
- «و آن چه صاحب روضة الصفا نوشته که قرا یوسف و سلطان احمد را ملک ناصر فرخ خود از بند بیرون آورده، تربیت کرد. و قرا یوسف از میدان چوگان بازی آزرده خاطر شده روی راست به ولایت خود روان شد، صحتش معلوم نیست و ظاهر نشد که نقل از کجا به او رسید.» (همین اثر: ۶)
- «باباحاجی از روی راستی و مردانگی با فرزندان و برادران به خدمت قرا یوسف آمده انواع رعایت یافت» (همین اثر: ۷)
- ماده فتنه / چیزی بودن = دلیل اصلی ایجاد فتنه بودن
- «و پری خان خانم که ماده فتنه و سبب خونریزی مردم بود، به خلاف توقع چون به دیدن برادر آمد، اصلا التفات نیافت» (همین اثر: ۱۰۴)
- پیغام کردن = پیام دادن، نامه دادن
- «حاکم آنجا در قلعه مستقر و متحصن شده، پیغام کرد که به جز پادشاه این قلعه را به دیگری نخواهم داد» (همین اثر: ۵۶)



- «ایلچی به شاه فرستاده پیغام کرد که بعضی از ولایات که در ازمنه سابقه به حکام روم متعلق بوده است اکنون در تصرف قزلباش است» (همین اثر: ۴۶)
- راه سخن داشتن = اجازه سخن گفتن داشتن، اجازه اظهار نظر
- «یکی از امرای معتبر که راه سخن داشت به در خرگاه آمده...» (همین اثر: ۱۳)
- «و مهتر شاه قلی به واسطه راه سخن در ملازمت پادشاه در جواب تعلل می‌نمود. ناچار میرزا شاه حسین این معنی را به عرض رسانیده، رخصت قید و حبس مهتر مذکور حاصل نمود. و با وجود آن مهتر شاه‌قلی چون راه سخن داشت مدارا می‌کرد. تا آنکه روز چهارشنبه بیست و هشتم جمادی الاول سنه مذکور در منزل هشت بهشت تبریز پادشاه ایران به اتفاق امرا و اعیان به مجلس شراب نشست» (همین اثر: ۵۱)
- متوهم شدن = ترسان و بیمناک شدن
- «و بعد از این فتوحات، رستم بیگ از سلطان علی میرزا و مریدانش متوهم شده، اندیشه عذری نمود» (همین اثر: ۲۸)
- «آبیه سلطان که به غایت متوهم بود فرصت غنیمت دانسته خود را به تعجیل به کرمان رسانید و از آنجا به فارس رفت» (همین اثر: ۲۸)
- به نظر آوردن = مشاهده کردن، دیدار
- «و با ایندرببیگ و امرا مظفر و منصور به ملازمت سلطان آمده، گرفتاران را به نظر درآوردند و مجموع آزاد شدند.» (همین اثر: ۲۲)
- «و میرزا از بالای برج گاهی به نظر ایشان در می‌آمد.» (همین اثر: ۸۴)
- «نقد و جنس که خوندگار فرستاده بود به نظر شاه درآوردند. و از آن جمله صد اسب با زین مرصع و جللهای زربفت بود و مخمل و پانصد هزار فروش که چهل و پنج هزار تومان است، نقد آورده بودند» (همین اثر: ۹۴ - ۹۵)
- درجه قبول یافت = پذیرفته شد
- «سلیمان بیگ به درگاه عرضه داشت کرده، گناه او را درخواست نمود. التماس او درجه قبول یافت. و سلیمان با عبدالکریم به درگاه پادشاه رفت.» (همین اثر: ۲۴)
- اتفاق نمودن = همراهی، اتحاد، مشارکت
- «و قاسم بیگ برادر دیگر او نیز به او اتفاق نموده، قصد شیراز کردند» (همین اثر: ۱۸)
- کوفت‌ناک = خسته
- «و بعد از آن میرزا شاه‌رخ بهادر با دویست هزار سوار بر سر امیر قرا یوسف آمده، او نیز با سپاه خود با آنکه کوفت‌ناک بود، از تبریز به اوجان آمد» (همین اثر: ۹)
- تلاقی فریقین = برخورد و روبرو شدن دو گروه / دو لشکر
- «در سلماس تلاقی فریقین دست داد و اسکندر دو روز، نهایت مردانگی به جای آورد. اما از نامساعدی بخت، بار دیگر شکست یافته به روم گریخت.» (همین اثر: ۱۰)

۲-۲. ویژگی‌های نحوی

- نقش و تغییر معانی افعال از لحاظ کاربرد افعال، نقش پذیری و سایر مواردی که برای فعل می‌توان در نظر گرفت، نمونه‌هایی وجود دارد که کاربردی متفاوت و خاص در این اثر وجود داشته که ذکر می‌شود.
- ۲-۲-۱. حذف افعال، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی تاریخ‌حیدری در حوزه فعل است. در این اثر حذف افعال یا بخشی از افعال مرکب بسیار دیده می‌شود، که برخی از آنها اشاره می‌شود.



- «در راه خبر قتل سلطان خلیل و رسیدن میرزا علی را شنیده [بود]، بر سر راه میرزا علی آمد و جنگ کرده، میرزا علی را شکست داد.» (همین اثر: ۲۰)
- «اگر با من اتفاق می‌کنی سلطنت به شرکت خواهیم کرد. و او را چون ناچار بود قبول کرده، سوگند خورد. و همچنین یک یک از امرا را طلب داشته، با خود متفق ساخت.» (همین اثر: ۲۳)
- «و نوکران او قزوین و ری و سلطانیه را غارت کرده، جمعی از ترکمانان را به قتل آورده بودند» (همین اثر: ۲۷)
- ۲-۲-۲. فاصله بین اجزای فعل مرکب
- «و میرزا علی پسر سلطان خلیل که در سهند بود با مادر و جمیع متعلقان پدر متوجه عراق شد و در راه دوچار حاجی بیگ بن شیخ حسن که عمّ حسن بیگ است و به کوسه حاجی مشهور است، شد.» (همین اثر: ۲۰)

۳. ویژگی‌های ادبی

۳-۱. صنایع بدیع لفظی

سبک نگارش تاریخ حیدری، جزء مقدمه کوتاه آن، بصورت یکسان می‌باشد، تنها به دنبال انتقال معناست. و از صنایع لفظی و معنوی خالی است. فقط به چند مورد اشاره می‌شود.

۳-۱-۱. سجع: یکی از بارزترین عناصر موسیقایی که مؤلف در ساخت کلام خویش بکار برده، سجع است. سجع در اصطلاح بدیع، «آن است که گوینده در سخن خود کلماتی بیاورد که یا هم وزن باشند، یا در حرف روی مشترک باشند، یا هم در وزن و هم در حرف روی یکسان باشند.» (انوشه: ۱۳۸۱؛ ۲۸۰) که سجع متوازی، مطرف و متوازن نامیده می‌شوند.

- متوازی: الطافش چاره ساز هر بیچاره و اعطافش قبله‌نیاز هر آواره،
 - متوازن: غوّاص خرد در دریای ذاتش غرقه گرداب نادانی، و سیّاح جان در صحرای صفاتش آبله‌پای حیرانی.
 - ترصیع: «آن است که اسجاع متوازی، حداقل در دو جمله مقابل هم قرار بگیرند.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۰)
- بر خوان نعمت بی‌زوالش قناعت هم کاسه‌واز و بر آستانه دولت بی‌مثالش صدق کلید قفل راز.

۳-۲. صنایع بدیع معنوی

۳-۲-۱. استفاده بسیار اندک از آیه‌ها و عدم استناد به احادیث

نویسنده به جز عدم بهره‌گیری از اشعار، از احادیث، آیات و نیز نسبت دادن‌های بی‌اساس شاهان به اولیاء نیز استفاده نکرده و برخلاف تاریخ نگاران معاصرش و خلاف عرف مرسوم این شیوه را پی گرفته است. تنها موردی که در این اثر وجود دارد، در صفحه ۱۰۷ است که به آیه «فاعتبروا یا اولی الأبصار» اشاره شده است.

۳-۲-۲. ارسال المثل

ارسال المثل یا تمثیل «آن است که شاعر مثل معروفی را در شعر خود بیاورد یا بیت و مصرعی بگوید که حکم مثل سائر را پیدا کند.» (طبری: ۱۳۷۳؛ ۱۳۸)؛ نویسنده از ضرب المثل‌های ترکی در متن استفاده کرده است:

«و چون خبر کشته شدن پیربداق به حسن بیگ رسید، بسیار خوشحال شده گفت: دشمنیم ایکی ایدی بیر اولدی. ایگید ایدی پیر اولدی. یعنی دشمن من دو تا بود، یکی شد و جوان بود پیر شد.» (همین اثر: ۱۲)

۳-۲-۳. استفاده بسیار اندک از شعر

نگارنده درست برخلاف دیگر تاریخ‌ها که مملو از اشعار مدح و ذم و فتح نامه‌هاست، استفاده چندانی از این موضوع نکرده و یکی از تفاوت‌های عمده وی با سایر آثار تاریخی همین می‌تواند باشد، ابیاتی انگشت شمار در اثر وجود دارد و تنها برای ذکر ماده تاریخ سال مرگ ذکر شده است. به طور مثال:

بود سلطان حسن آن شاه خلیق هم‌رهان خاک رهش می‌رفتند



بهر تاریخ وفاتش همه کس شاه دین پرور عاقل گفتند
و بیت دیگر که ذیل سال ۹۴۵ ق. و فتح شیروان ذکر کرده است:

از ادب، سدره نشینان فلک از پی هم
با چنین لشکر و این جمع کجا روی نهد
فوج فوج آمده و صفزده در صف نعال
که نه اقبال کند جانب او استقبال

۳-۳. کاربرد فنون معانی - بیان

علم معانی - بیان در تاریخ حیدری، بیشتر در مقدمه کتاب خود نمایان ساخته است. که همین مقدار اندک دانش و آگاهی نویسنده را نشان می‌دهد.

۳-۳-۱. تشبیه: غالب تشبیه‌های که در این اثر بکار رفته است، از نوع بلیغ اضافی است، اگرچه تعداد آنها اندک است؛ ولی تازگی‌هایی در آنها دیده می‌شود. «مرکب فهم»، «تیه نادانی»، «سیاح جان»، «عندلیب فکر»، ...

۳-۳-۲. استعاره:

- استعاره مصرحه: «شاه بازان بلند پرواز سخن» استعاره از شعرا.
- استعاره مکنیه: «بر آستان جلالش فرقی فلک زمین سای»، «ذاتش بی‌پرده از نظر عقل پنهان»، «دست حیرت»، ...

۴. ویژگی‌های فکری

۴-۱. اخلاق‌گرایی

کتاب تاریخ حیدری، بر خلاف سایر متون تاریخی هم‌عصرش که سرشار از مدح، تملق و آرایه‌های ادبی هستند، خالی از هرگونه آرایش‌های لفظی و معنوی است، و این یکی از مزیت‌های این اثر است چراکه او سعی داشته به دور از هرگونه تملق و چاپلوسی وقایع تاریخی را با صداقت، وفاداری، انصاف و ... بیان کند. به عنوان مثال متن زیر در نهایت سادگی و ایجاز یک واقعه تاریخی را مطرح می‌کند.

«و بایندربیک نیز لشکر اطراف را جمع آورده، به استقبال روان شد. و در نواحی ساوه جنگ شده در حمله اول هابیل نوکر بایندر بیگ گرفتار گشت. و چون قلب پادشاه روان شد، امرا سرها برهنه کرده امان طلبیدند و بایندربیک که بر زبر پشته ایستاده بود و تماشا می‌کرد سراسیمه شده، روی به فرار آورد. و صوفی خلیل او را تعاقب نموده، اسب بایندر به سر درآمده بیفتاد و مردم صوفی خلیل رسیده، او را به قتل رسانیدند. سرش را نزد سلطان آوردند.» (تاریخ حیدری: ۲۳)

در برخی موارد نویسنده اگر موضوعی در دسترس داشته از نگارش آن ابایی و ترسی نداشته است و از ارائه اطلاعاتی که شاید ناخوش آیند و تاجایی بدآیند شاهان و حاکمان بوده و به نوعی مرسوم نیست، پرهیزی نداشته و در کنار گزارش اتفاقات معمول، جنگ، فتوحات و ... به گزارش ظلم‌ها، جنایات و قتل و غارت نیز پرداخته که خوب است.

همچون کشتن امیر دباچ که آمده: «و در سنه اثنی و اربعین و تسع مایه هجرت (۹۴۲) شاه در دارالسلطنت تبریز به عیش و عشرت گذرانید و امیر دُباچ حاکم رشت را که از شیروان گرفته، آورده بودند. در قفس درآورده، به سیاست تمام به قتل آوردند.» (همین اثر: ۵۸) و در جایی دیگر: «و به اتفاق سلطان مراد به حدود روم و شام رفت و تمام عراق عرب به تصرف شاه درآمد و بسیاری از مخالفان به حکم شاه در بغداد به قتل رسیدند. به نوعی که آب دجله رنگین به نظر در می‌آمد» (همین اثر: ۳۹)

۵ - نتیجه

در پایان، یادآوری این نکته ضروری به نظر می‌رسد که کتب ادبی و تاریخی بسیاری وجود دارد که متاسفانه ناشناخته مانده‌اند و این کتب ارزشمند تا عصر کنونی به دست محققان و تاریخ‌دوستان نرسیده است؛ هدف این نوشتار، شناساندن یکی از کتب مهم تاریخ‌نگاری دوره صفوی است. نویسنده گویا سعی خود را بر نگارش تاریخی درست و بی‌پیرایه و بدون حشو و زوائد قرار داده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در هرکدام از منابع و آثار هم‌عصر، بسیار با پُرگویی و مجامله (= چرب زبانی و تملق‌گویی) به گزارش



تاریخ پرداخته شده است که از این موضوع در اثر حاضر نشانی نیست. و از نظر صحت مطالب تاریخی این موضوع یکی از مزایا و برجستگی‌های تاریخ حیدری می‌تواند محسوب شود.

نویسنده به دور از هر گونه آرایش‌های لفظی به بیان تاریخ پرداخته و فقط مقدمه کوتاه اثر دارای متن ادبی دلنشینی است که تسلط نویسنده را بر فنون ادبی بیان می‌کند.

عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق‌الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.

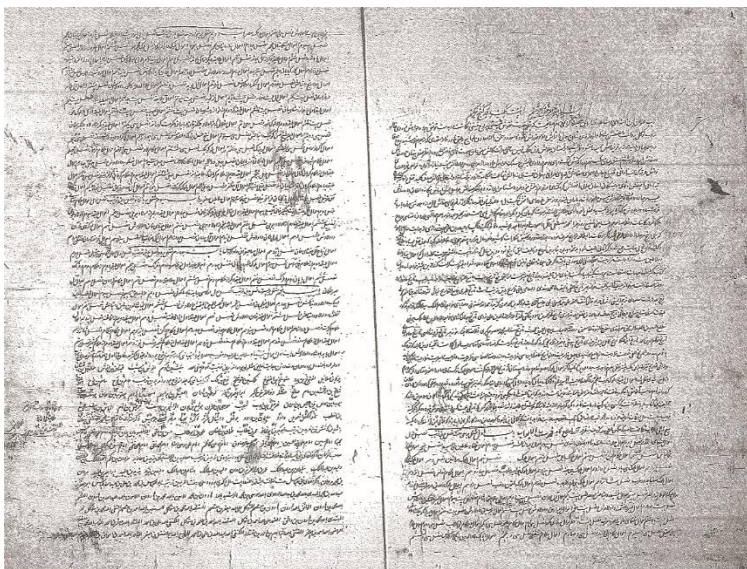
منابع و مآخذ

- قرآن
- ابن اثیر الجزری، عزالدین ابوالحسن علی بن احمد بن ابی‌الکرام، (۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م). **الکامل فی التاریخ**، دارالصادر، بیروت ۱۳۸۵ ق. / ۱۹۶۵ م.
- _____، **تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران**، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، موسسه مطبوعات علمی، ۱۳۷۱.
- افشار، ایرج، **عالم آرای شاه‌طهماسب**، دنیای کتاب، تهران ۱۳۷۰.
- انوشه، حسن، **فرهنگنامه ادبی ایران**، دانشنامه ادب فارسی گزیده اصطلاحات، مضامین و موضوعات ادب فارسی، چاپ دوم، فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۸۱.
- بهار، محمدتقی، **سبک‌شناسی**، امیرکبیر، تهران ۱۳۸۶.
- حسینی استرآبادی، حسن، **از شیخ صفی تا شاه صفی**، **تاریخ سلطانی**، به کوشش احسان اشراقی، علمی، تهران ۱۳۶۴.
- خطیبی، حسین، **فن نثر در ادب پارسی**، زوار، تهران ۱۳۷۵.
- دهخدا، علی‌اکبر، **لغت نامه دهخدا**، چاپ دوم، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۷.
- شمیسا، سیروس، **نگاهی تازه به بدیع**، چاپ اول، میترا، تهران ۱۳۸۳.
- _____، **کلیات سبک‌شناسی**، میترا، تهران ۱۳۸۸.
- شیروانی، زین‌العابدین، **بستان السیاحه**، سنایی، تهران بی‌تا.
- صفا، ذبیح‌الله، **تاریخ ادبیات در ایران**، فردوس، تهران ۱۳۷۸.
- فتوحی، محمود، **سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها**، چاپ اول، سخن، تهران ۱۳۹۱.
- گلچین معانی، احمد، **تاریخ تذکره‌های فارسی**، چاپ دوم، کتابخانه سنایی، تهران ۱۳۶۳.
- مایل‌هروی، نجیب، **تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی**، نشر پژوهش‌های اسلامی، تهران ۱۳۶۹.
- مصاحب، غلامحسین، **دایرة المعارف فارسی**، امیرکبیر، تهران ۱۳۷۴.
- نفیسی، سعید، **تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی**، نشر فروغی، تهران ۱۳۶۳.
- _____، **کنجکاویه‌های علمی و ادبی**، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۲۹.

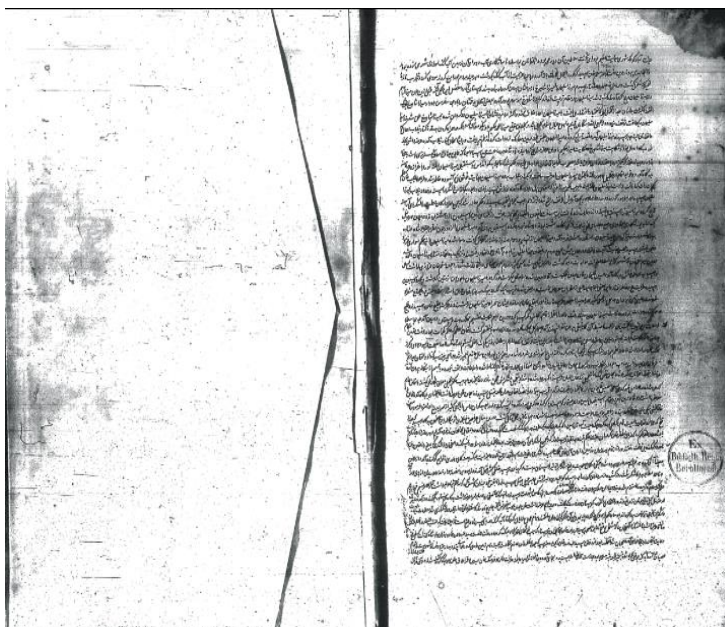


- هینتس، والتر، شاه اسماعیل دوم صفوی، ترجمه کیکاووس جهانداری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۱.

پیوست - تصاویر نسخه‌های خطی



برگ اول نسخه کتابخانه ملی برلین (اساس)



برگ آخر جلد نخست نسخه کتابخانه ملی برلین (اساس)